

# زبان پارسه کورسک اندیش

بچین ز شاخهٔ یقین، میوهٔ انتظار را  
بهار شد، بهار شد، وطن چو لاله‌زار شد  
تا که شمارد این همه لاله بی شمار را  
به خون رقم زدند تا قصهٔ روزگار من  
بخوان، بخوان ز دفترم شوکت این تبار را...

و این سروده که بعدها طنین دلپذیر آن همراه با موسیقی زنده و حماسی و شورانگیز، یکی از آشناترین زمزمه‌های انقلابی و مانا در حافظه و ذهن و زبان مردم شد:

بهارست و هنگام گل چیدن من  
به خون گرگشی خاک من، دشمن من  
بجوشد گل اندر گل از گلشن من  
تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی  
جداسازی ای خصم، سر از تن من!  
کجا می توانی ز قلبم ربایی  
تو عشق میان من و میهن من؟  
مسلمانم و آرمانم شهادت  
تجلی هستی است جان کندن من

نسل امروز شاعران زن، تداوم قبیلهٔ پروین اند و خوشه‌خوشه ستاره به ادب امروز می‌بخشند. نسلی که با درهم آمیزی مقدس شعر و شور و شناخت، افق‌هایی تماشایی‌تر و جمیل‌تر را ترسیم خواهند کرد. بر این بیفزایید زخداد مبارک و ستودنی دیگری را که در عرصهٔ معلمی رخ داده و آن، آثار قلمی معلمان زن است. آثاری که خود فرصت دیگری می‌طلبند تا در عرصه‌های فراخ و فراغ از آن‌ها سخن گفته شود. خدا را چه دیده‌اید شاید پیش از آنکه این قلم در این زمینه بخواهد چیزی بنگارد، صاحبان این مقوله زنان نویسند- خود دست به کار شوند و کاری عالمانه‌تر و عمیق‌تر بیافرینند. به امید آن روز، خداوند شمار زنان پارسی‌گوی نیک‌اندیش این سرزمین قدسی و الهی را افزون‌تر کند.

در سال ۱۳۰۶ قمری در بمبئی کتابی به چاپ رسید که در آن ۱۹۶ سخنور و شاعر زن شناسایی و شناسانده شده بود. نویسندهٔ کتاب، میرزا مهدی شیرازی، این کتاب را «تذکره‌الخوانین» نام‌گذاری کرده و به تقلید از تذکرهٔ خیرات حسان در ۱۹۶ صفحه سامان داده بود. از آن روزگار بیش از ۱۳۵ سال می‌گذرد و امروز اگر قرار باشد تذکرهٔ شاعران زن در همین سی و چند سال اخیر، حتی مجموعه شعرهای زنان پس از انقلاب، جمع‌آوری شود تعداد آن‌ها از ۵۰۰ خواهد گذشت.

اگر نویسندگان زن- اعم از داستان‌نویسان، پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و همهٔ اثرآفرینان ادبی- را در همین سال‌ها بررسی کنیم، معلوم خواهد شد که آثار ادبی زنان در ایران امروز تا چه حد گسترده، ژرف و شگرف شده است.

این سخن نه توصیفی مبالغه‌آمیز و ستایشی فمینیستی و زن‌ستایانه بلکه واقعیتی محسوس و ملموس است. حتی مرور مقالات همین مجله در دههٔ حاضر، بر این باور صحنه خواهد گذاشت و حضور چشمگیر و درخشان زن در عرصهٔ پژوهش، نگارش و سرایش را آشکارتر نشان خواهد داد.

حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اتفاقی است که در این آفرینش و رویش مؤثر بوده است.

در دوران پرمخاطرهٔ دفاع مقدس در جبهه‌هایی که همسایهٔ انفجار و خون و شهادت بودند، زنان شاعر و نویسنده‌ای را می‌یافتی که بی‌هیچ هراس، عاشقانه و صادقانه در مبارزه شرکت می‌کردند و گذشته از تقویت روح حماسی و فداکاری و شجاعت در رزمندگان، خود به باروری شعر و باورهای خویش یاری می‌رساندند. از این میان، خانم‌ها سیمین‌دخت و وحیدی، صدیقه و سمرقی، فاطمه‌راکعی، مهین زورقی، شهلا آهنج، و زنده‌یاد سپیده کاشانی شاخص‌تر بودند. آن روزها این سرودهٔ خانم کاشانی زمزمه‌ای فراگیر شده بود که برادر مبارزم زمزمه کن بهار را



سردبیر